

نقش ژئواکونومیک مناطق آزاد در بازدارندگی اقتصادی و حمایت از تولید ملی با تأکید بر ارائه مدلی راهبردی برای بازطراحی مناطق آزاد استان‌های مرزی

سجاد عالی فرجا^۱

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی گرایش سازماندهی سیاسی فضا، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸

چکیده

مناطق آزاد از جمله پدیده‌های پارادوکسیکال در دنیای اقتصاد به شما می‌روند که دارای دو جنبه کارکردی و غیر کارکردی هستند. در ایران این پدیده در شکل فعلی به زعم بیشتر کارشناسان نقشی غیر کارکردی در اقتصاد ملی پیدا کرده است به نحوی که در جنگ اقتصادی غرب و در برابر تحریم‌های اقتصادی امریکا نقش اسب تروای دشمنان را بازی می‌کند. با توجه به این مقدمه هدف این مقاله پرداختن به نقش ژئواکونومیک مناطق آزاد در بازدارندگی اقتصاد ملی ایران در برابر جنگ اقتصادی غرب و سهم این مناطق در حمایت از تولید ملی است. سؤال اصلی مقاله این است که مناطق آزاد ایران در قواره‌ی فعلی چه نقشی در بازدارندگی اقتصاد ملی ایران در برابر جنگ اقتصادی غرب و حمایت از تولید ملی می‌توانند ایفا بکنند؟ در راستای سؤال پژوهش فرضیه‌ای را که مقاله سعی در بررسی آن دارد این است که به نظر می‌رسد مناطق آزاد ایران دچار نوعی آنومی در اهداف و سیاست‌ها و ساختارهای هستند و به این ترتیب نمی‌توانند دارای کارکرد مثبتی در اقتصاد ملی ایران در شرایط موجود باشند. نتایج این مقاله نیز نشان می‌دهد که اشتغال و سرمایه‌گذاری و ورود تکنولوژی و صادرات در مناطق آزاد ایران بیشتر در قالب ساماندهی و فراهم آوردن زمینه واردات و قاچاق تبلور یافته‌اند. با توجه به این مقدمه در این مقاله سعی خواهد شد با استفاده از آمار و اطلاعات مناطق آزاد و نیز اسناد بالا دستی و نیز تجربیات موفق جهانی مناطق آزاد و نیز پژوهش‌های علمی موجود به بررسی و تحلیل نقش ژئواکونومیک مناطق آزاد در بازدارندگی اقتصاد ملی ایران در برابر جنگ اقتصادی غرب و سهم این مناطق در حمایت از تولید ملی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مناطق آزاد، بازدارندگی اقتصادی، تولید ملی، حمایت‌گرایی.

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین اقداماتی که بعد از اتمام جنگ جهانی دوم در تعدادی از کشورها برای توسعه صادرات و کمک به آزادسازی اقتصادی انجام گرفت، ایجاد مناطق آزاد بود. بعضی از مناطق جهان مانند سنگاپور، هنگ کنگ، کپنهاک در دانمارک و... با توجه به موقعیت خاص ارتباطی و بازرگانی خود به عنوان مناطق آزاد مطرح شدند، اما ایجاد منطقه آزاد بر اساس قالب جدید، با آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی برای اولین بار در بندر شانون^۱ در ایرلند صورت گرفت و به همین دلیل مبدأ ایجاد مناطق آزاد نیز به شمار می‌رود؛ چرا که برای اولین بار جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی و ایجاد اشتغال که از اهداف مهم تأسیس مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه است: در این بندر مورد توجه قرار گرفت. بررسی سوابق و نمونه‌های ایجاد این قبیل مناطق در جهان که از آن‌ها به منطقه آزاد^۲ یا صادرات آزاد^۳ تعبیر می‌شود، نشان دهنده آن است که در دهه هفتاد میلادی ایده ایجاد این مناطق با هدف جذب سرمایه از سایر مناطق و تسهیل و تسریع صادرات و واردات، طراحی و عملیاتی شد (کامران، ۱۳۸۱: ۳۲).

بنابراین با گذشت زمان بر تعداد مناطق آزاد تجاری در دنیا افزوده شده است؛ به طوری که در اواخر دهه ۱۹۶۰ تنها ۱۰۰ منطقه آزاد تجاری در دنیا وجود داشت اما در پایان دهه نخست قرن بیست و یکم، تعداد آن‌ها به حدود ۸۵۰ منطقه آزاد در سراسر جهان از آمریکای شمالی تا آفریقا، آسیا و منطقه کارائیب رسید. از این میان، ۳۲۰ منطقه آزاد تجاری در آمریکا و مکزیک و ۲۲۵ منطقه در آسیا (به جز چین) وجود داشت. در همین زمان، در کشور چین نیز ۱۸۰ منطقه آزاد در حال فعالیت بود که حدود نیمی از صادرات آن از طریق مناطق آزاد این کشور صورت می‌گرفت. اولین منطقه صادرات در آسیا کاندلا^۴ نام داشت که در سال ۱۹۶۵ در هند تأسیس شد. اندکی بعد تایوان در سال ۱۹۶۶ به ایجاد منطقه پردازش کائونسیونگ^۵ و کره جنوبی در سال ۱۹۷۰ به تأسیس منطقه پردازش صادرات ماسان^۶ مبادرت کردند. سهم فیلیپین ۳۵ منطقه آزاد، اندونزی ۲۶ منطقه، امارات متحده عربی ۹ منطقه و حوزه کارائیب نیز ۵۱ منطقه آزاد در سال ۲۰۱۰ بود (همان، ۱۳۸۱: ۳۲).

مناطق آزاد در حال حاضر به عنوان یک استراتژی سریع به منظور تحقق اهداف برنامه‌های توسعه ملی در کشورهای جهان مطرح است. در دو دهه اخیر با رشد سریع «مناطق پردازش صادرات» به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نقش و جایگاه مناطق آزاد عموماً به عنوان یک موضوع مهم در بحث سیاست‌های راهبردی و به ویژه به عنوان ابزاری کارا جهت توسعه ملی و منطقه‌ای مطرح بوده است. مناطق آزاد به عنوان پلی برای اتصال به اقتصاد جهانی و سازمان تجارت جهانی^۷ مطرح هستند. ایجاد و کسب درآمد ارزی، جذب سرمایه‌های خارجی و انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال، تربیت نیروی انسانی، ارتقای مهارت‌های شغلی و مدیریتی، ایجاد پیوندهای صنعتی بین صنایع مناطق پردازش و نفوذ در بازارهای خارجی از جمله شاخص‌های ارزیابی موفقیت مناطق آزاد به شمار می‌روند. از جمله

^۱ . Shannon Foynes Port

^۲ . Free Zone

^۳ . Free Export

^۴ . Candela

^۵ . Kaohsiung

^۶ . Masan

^۷ . WTO

اهداف ایجاد مناطق آزاد می‌توان به جلب سرمایه‌های خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کسب درآمدهای ارزی و افزایش صادرات، دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تورم و محرومیت‌زدایی از مناطقی که امکان رشد و توسعه را به طور بالقوه دارند، اشاره کرد (لطیفی و امین آقایی، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

از سال‌های ۱۳۳۰ به بعد در ایران در پی تهیه طرح‌هایی در جهت رونق اقتصادی کشور و افزایش تجارت خارجی، بنادر ایرانی در خلیج فارس مورد توجه قرار گرفت؛ اما بنادر ایران در آن زمان توانایی و امکانات لازم برای توسعه صادرات و واردات را نداشتند. در سال ۱۳۳۴ مقاله‌ای تحت عنوان اشکالات حمل و نقل کالا به خاورمیانه^۱ در مجله‌ای انگلیسی به چاپ رسید که به مسئولین خارجی خاطر نشان می‌کرد که چگونه می‌توانند ظرفیت واردات و صادرات کالای خود را از طریق منطقه بازرگانی که ارتباط آزادتری با جهان تجارت دارند، افزایش دهند. سرانجام با اعتراض تجار ایرانی همراه با افزایش هزینه صادرات و واردات کالا، دولت مجبور شد توجه بیشتری را به تنوع بخشیدن به مبادی حمل و نقل کالا و بنادر معطوف کند و در تیرماه ۱۳۳۵ مدیر کل گمرک در رابطه با مشکلات ایجاد شده، به بند رعباس رفته و برای اولین بار از منطقه آزاد تجاری دبی در آن سوی خلیج فارس نام می‌برد که چگونه از راه مبادله کالاهای ایرانی با سایر نقاط جهان و برعکس، از رونق و اعتبار برخوردار شده است. با تشکیل وزارت گمرکات و انحصارات در سال ۱۳۳۶، آمادگی تأسیس اولین بندر آزاد تجاری رسماً اعلام می‌گردد (ملکان، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

در دی ماه ۱۳۳۶ بندرعباس به عنوان مرکز واردات و صادرات کالا توسط دولت اعلام شد و برنامه‌هایی برای فعالیت‌های جدید طی چند سال آینده اعلام گردید. به‌طور کلی تفکر ایجاد منطقه آزاد در ایران به اواخر دهه ۴۰ شمسی می‌رسد که دولت وقت از کنفرانس بین‌المللی تجارت و توسعه وابسته به سازمان ملل^۱ درخواست کرد که جهت ایجاد بنادر آزاد در ایران تحقیق و بررسی نماید، آنکند این بررسی را به شرکت مشاوره و مدیریت و سازمان توسعه فرودگاه آزاد شانون محول کرد. این سازمان نتیجه کار خود را به صورت گزارشی همراه با ضمیمه در سال ۱۳۵۰ به کنفرانس مذکور ارائه داد. در این گزارش بندرعباس به عنوان بندر آزاد اعلام شده بود ولی عملاً این انتخاب صورت نگرفت و فقط به تصویب تخفیف هزینه‌های بندری در آن اکتفا شد. در سال ۱۳۴۹ جزیره کیش به عنوان مرکز بین‌المللی توریستی-تجاری انتخاب می‌شود و در سال ۱۳۵۱ سازمان عمران کیش در راستای ایجاد منطقه آزاد در جزیره، راه‌اندازی شد؛ و بالاخره مرکز بین‌المللی جزیره کیش در سال ۱۳۵۶ به‌طور رسمی شروع به کار کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، لایحه واردات کالا با استفاده از معافیت گمرکی به جزیره کیش در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید و در نهایت در سال ۱۳۶۸ بر اساس تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه به دولت اجازه داده شد که در سه نقطه مرزی کشور شامل کیش، قشم و چابهار اقدام به تأسیس منطقه آزاد تجاری نماید. چگونگی اداره این مناطق در ۷ شهریور ۱۳۷۲ به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۷۲ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت (ملکان، ۱۳۷۹: ۱۲۸). بررسی وضعیت و عملکرد مناطق آزاد

^۱. UNCTAD

کشور نشان می‌دهد که این مناطق از زمان تأسیس تاکنون، بیش از آنکه در خدمت تولید و صادرات بوده باشند، به تسهیل واردات و گسترش پدیده قاچاق و همچنین اشتغال کاذب دامن زده‌اند و با وجود اقدامات و قوانینی که طی سال‌های اخیر نیز برای ممنوعیت واردات و مبارزه با قاچاق در جهت حمایت از تولید و اشتغال نیز صورت گرفته، قاچاق و واردات کالا به دلیل مستثنی بودن این مناطق از بسیاری از قوانین کلی حاکم بر تجارت همچنان در این مناطق به قوت خود باقی است. از طرف دیگر با توجه به این که در مقطع کنونی اقتصاد کشور در صدد حمایت از تولید داخل و مقابله با جنگ اقتصادی منطقه‌ای و جهانی غرب علیه کشور است سؤال اصلی مقاله این است که مناطق آزاد چه نقشی در بازاریابی اقتصادی و حمایت از تولید ملی به ویژه در مرزهای بازی می‌کنند؟

رویکرد نظری

کلیدواژه حمایت^۱ شامل اقدامات و سیاست‌هایی است که دولت در جهت کمک به فعالیت‌های تولیدی در برابر رقبای خارجی تمهید می‌کند. در بهنه بازرگانی این سیاست‌های می‌تواند مشوق‌هایی جهت صادرات و اعمال محدودیت‌هایی در واردات باشد. اجرای این سیاست‌ها از چندین روش میسر است: کنترل ارز، تضعیف ارزش پول، تعرفه گمرکی، سهمیه‌بندی واردات، افزایش هزینه‌های حمل و نقل کالاهایی که نمی‌خواهند وارد کشور شوند و غیر... (Tribe, 2002: 15). در قرون ۱۵، ۱۶ و ۱۷ میلادی تجارت خارجی به سرعت افزایش یافت و مکتب سوداگری یا مرکانتیلیست‌ها به وجود آمد هدف این مکتب اندوختن ثروت بیشتر است پس دولت باید برای تأمین موازنه مثبت بازرگانی خارجی خود اقدامات حمایتی را به جا آورد. مانند برقراری جایزه برای صادرات و تشویق آن و یا ایجاد سدهای گمرکی در واردات. انتقاد به این مکتب در این جاست که اگر همه کشورها بخواهند دست به چنین اقداماتی بزنند به سود هیچ کشوری نخواهد بود (مدنی، ۱۳۴۳: ۱۶).

تجارت خارجی از نظر آدام اسمیت بر اساس اصل تقسیم بین المللی کار بود و معتقد بود به نفع هر کشوری است که کالاهایی را وارد نماید که ارزان‌تر از داخل می‌باشد و به صدور کالاهایی بپردازد که هزینه تولید آن‌ها در داخل کمتر از قیمت تمام شده در خارج است آدام اسمیت به تجارت آزاد اعتقاد داشت اما در دو حالت دخالت دولت را پذیرفته بود: ۱- تشویق از صنایع داخلی (صنایعی که در دفاع از کشور مورد احتیاج است) که در مقابل صنایع خارجی حمایت شود. ۲- زمانی که بر تولید کالای داخلی مالیات بسته می‌شود معادل آن مالیات باید از کالای خارجی دریافت نمود. هامیلتون با اصل آزادی در مبادلات معارض بود وی نظریه حمایت از صنایع نوپا را بیان داشت و می‌گفت صنایعی که تازه شروع به رشد نموده‌اند در مواجهه با رقابت خارجی فرصت کافی برای ادامه رشد ندارد اگر مهلت کافی داده شود می‌توانند صرفه‌های انبوه و کارآیی فنی را به دست آورند (Shafaeddin, 2000: 10). اگر اعمال حمایت در وهله اول قیمت کالاها را بالا می‌برد ولی پس از رشد کافی هزینه و قیمت کاهش می‌یابد. نئوکلاسیک‌ها معتقد به آزادی تجارت و ایجاد رقابت بودند و از این جهت کلاسیک‌ها تشابه داشتند. کینز معتقد بود که تجارت بین‌الملل برای تمامی کشورها مفید نمی‌باشد؛ بنابراین تجارت آزاد در شرایطی که مشکل بیکاری که یکی از معضلات بزرگ کشورها به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته

^۱. Protection

می‌باشد رفع نمی‌نماید بلکه ممکن است به دنبال آن رکود و بحران اقتصادی هم به وجود آید (بالام و وست، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

حمایت‌گرایی سیاست اقتصادی جلوگیری از تجارت بین کشورها از طریق وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی، محدودسازی حجم واردات و شماری دیگر از ضوابط دولتی است. این سیاست با تجارت آزاد که در آن موانع دولتی باید حداقل نگه داشته شوند، تضاد دارد. این سیاست در سالیان اخیر در راستای جنبش‌های ضد جهانی‌سازی بوده است. این لفظ بیشتر در زمینه علم اقتصاد به کار می‌رود. ایجاد موانع برای ورود کالاها در بلند مدت به زیان صنایع داخلی، دولت و مصرف‌کننده است. چنین صنایعی همواره در مرحله ابتدایی خود باقی می‌مانند و نیازی نمی‌بینند که سمت تحقیقات، بازاریابی و مشتری‌مداری حرکت کنند (Pires & Pontes, 2015: 20). استراتژی‌های حمایت‌گرایی، تاریخی طولانی دارند؛ وقتی از آغاز انقلاب صنعتی، انگلستان تلاش‌هایی برای جانشین کردن محصولات نساجی، کاغذ و برخی دیگر از محصولات تولیدی داخلی به جای محصولات همگن و مشابه تولیدی در شرق (به‌خصوص هندوستان و چین) به عمل آورد و این روند با به‌کارگیری هرچه بیشتر انرژی الکتریکی و بخار شتاب بیشتری گرفت. متعاقباً کشورهای آمریکایی و اروپایی در اواسط قرن نوزدهم و ژاپن در اوایل قرن بیستم، به منظور صنعتی شدن از همین استراتژی استفاده کردند (بالام و وست، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

در جهان سوم، حمایت‌گرایی جایگزینی واردات، اولین بار در آمریکای لاتین بعد از بحران بزرگ سال‌های ۱۹۳۰ اتخاذ شد و در طول بحران کشتیرانی بین‌الملل در جنگ دوم جهانی ادامه یافت. با این تفاسیر، راهبرد درون‌گرایی در توسعه، تلاشی است برای رهایی از یک اقتصاد وابسته و حرکت به سمت استقلال اقتصادی از طریق بومی کردن تولید (Daastøl, 2011: 50). هرچند در موارد بسیاری از سیاست‌های جانشینی واردات به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌ی درون‌گرایی برای توجیه جریان توسعه‌ی اقتصادی، تجارت ملی و توزیع مطلوب‌تر ثروت و دارایی‌ها استفاده گردیده، اما تعریف واحد و روشنی از این اصطلاح وجود ندارد. بنابراین سیاست‌های جانشینی واردات، تلاشی است از سوی کشورهای در حال توسعه برای شکستن تقسیم کار بین‌المللی که از قرن نوزدهم به بعد در پهنه‌ی جهانی حاکمیت داشته است (Watson, 2012: 15). فردریک لیست (۱۸۴۶ - ۱۷۸۹) نخستین چهره اندیشمند قرن نوزدهم است؛ که نظریه اقتصادی آدام اسمیت که در عصر او بر اروپا سایه افکنده بود، پذیرفت. نظریات فردریک لیست قرابت زیادی به وضعیت امروز کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم دارد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۱۶).

فردریک لیست در مورد تجارت بیان می‌کند: «ثبات و مداومت در پیگیری از سیاست‌های حمایتی خود از کارخانه‌داران کشور، باعث تعالی قدرت تولیدی در حدی ماورای تصور خوش‌بینانه خواهد گردید.» و یا در مورد منافع فردی و جمعی و هماهنگی یا عدم هماهنگی این دو می‌گوید: این حقیقتی انکارناپذیر است که اقتصاد فرد، اقتصاد اجتماع نیست و اقتصاد اجتماع، اقتصاد بین‌الملل نیست. لیست بیان می‌کند باید از تولید داخلی حمایت کنیم. دولت از تولیدکنندگان حمایت کند و آنوقت که تولیدکننده رشد پیدا کرد، دیگر دولت از او حمایت نکند. این اندیشه ابتدا در آلمان نمود یافت. آمریکا و ژاپن هم از این اندیشه استفاده کردند. در ابتدا منظور از حمایت، تعرفه گمرکی بود (Paul & Amawi, 2013: 150). الآن تعرفه‌ی گمرکی، زیاد نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و به جای آن ارزان کردن پول داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً چین پولش را ارزان نگه داشته است، یا ژاپن هم همین کار

را کرد. هر کشوری بخواهد به کشورش کالای خارجی صادر نشود باید قیمت پولش را پایین نگه دارد. ژاپن در نهایت تحت فشار آمریکا قیمت ارز خود را بالا برد و الآن ۱۰ سال است که در بحران به سر می‌برد. چین اما تسلیم فشار آمریکا نشده است. فردریک لیست آلمانی مدلی را ارائه می‌دهد که در آن ملت‌ها در طول زمان و به تدریج به تکامل صنعتی می‌رسند یک نظام حمایتی باید به موقع اجرا شود ولی مخالف با تئوری مزیت نسبی بود و می‌گفت هدف اولیه و اساسی یک نظام تربیت صنعتی ملت است به محض اینکه این هدف تأمین شد باید دولت دست از حمایت بردارد روش‌های مستقیم آموزش در اجرای سیاست‌های حمایتی تعرفه و ایجاد محدودیت است و روش‌های غیر مستقیم آموزش و توجه به زیرساخت‌ها است. ممنوعیت مطلق ورود اجناس خارجی زیان‌بار و تبعات منفی به دنبال خواهد داشت و در نهایت تجارت به رقابت آزاد و مبادله احتیاج دارد (رزاقی، ۱۳۷۳: ۸۷).

مناطق آزاد ایران

ایران ۷ منطقه آزاد تجاری-صنعتی دارد که عبارت‌اند از: کیش، قشم، چابهار، ارس، انزلی، اروند و ماکو. در حال حاضر ۷ منطقه آزاد تجاری-صنعتی در کشور وجود دارد که مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. این مناطق شامل قشم، کیش، چابهار، اروند، انزلی، ارس و ماکو هستند. منطقه آزاد فرودگاه امام خمینی (ره) و مکران نیز در قوانین برنامه پنجم توسعه و احکام دائمی برنامه توسعه به تصویب رسیده اما هنوز اجرایی نگردیده‌اند. از زمان بهره‌برداری برخی از این مناطق تاکنون ۲۵ سال می‌گذرد و برخی دیگر مربوط به ۱۲ سال گذشته هستند. دولت نیز اخیراً در لایحه‌ای خواستار افزایش ۸ منطقه آزاد و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی شده است. همچنین، طبق اخبار منتشر شده، ده‌ها منطقه آزاد و ویژه دیگر توسط نمایندگان مجلس به لایحه دولت اضافه شده است. همچنین، مناطق آزاد ایران جزو مناطقی هستند که وسعت بالایی دارند و میانگین وسعت آن‌ها ۹۳ هزار هکتار است، در حالی که میانگین وسعت مناطق آزاد جهان ۷۵۰۰ هکتار است (ملکان، ۱۳۷۹: ۱۵۹).

جدول شماره ۱- مناطق آزاد ایران

سال تصویب	وسعت (هکتار)	منطقه آزاد
۱۳۶۹	۹۱۵۰	کیش
۱۳۶۹	۳۰۰۰	قشم
۱۳۶۹	۱۴۰۰۰	چابهار
۱۳۸۲	۹۰۰۰	انزلی
۱۳۸۲	۳۷۴۰۰	اروند
۱۳۸۲	۵۱۰۰۰	ارس
۱۳۸۹	۱۵۰۰	فرودگاه امام
۱۳۸۹	۵۰۰۰۰	ماکو
۱۳۹۵	-	مکران

منبع: (<http://makufz.ir>)

۱- منطقه آزاد کیش

جزیره کیش به شکل بیضی با طول ۱۵ کیلومتر و عرض ۷ کیلومتر و با مساحتی حدود ۹۱ کیلومتر مربع از لحاظ وسعت، مقام دوم را در میان جزایر خلیج فارس دارد. این جزیره از لحاظ تاریخی دارای سوابق بازرگانی می‌باشد به طوری که مرکز ارتباطات بازرگانی بین هندوستان، ایران و بین‌النهرین به شمار می‌آمده است. عمده تجارت جزیره

کیش در گذشته، مروارید بوده است که هنوز هم صید آن ادامه دارد. کیش از سال ۱۳۸۴ تاکنون خارج از قلمرو معمولی گمرک کشور شناخته شده و نوعی منطقه آزاد تلقی می‌شده است. تاریخ رسمی تبدیل کیش به منطقه آزاد تجاری-صنعتی مربوط به سال ۱۳۷۲ است. مهم‌ترین واحدهای تولیدی کیش در بخش‌های مختلف صنایع برقی و الکترونیک، پوشاک، مواد غذایی و دارویی، شیمیایی، سلولزی، صنایع غیرفلزی و یک واحد تولید خودرو است. نمونه مأموریت‌های خاص این منطقه عبارت‌اند از: توسعه و ترویج گردشگری، تمرکز خدمات فرهنگی و رفاهی، ایجاد بورس خدمات تجاری، تشکیل نمایشگاه‌ها و همایش‌های داخلی و بین‌المللی، پایگاه توسعه و ترویج فناوری اطلاعات و ارتباطات (سعادت و مظفری، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

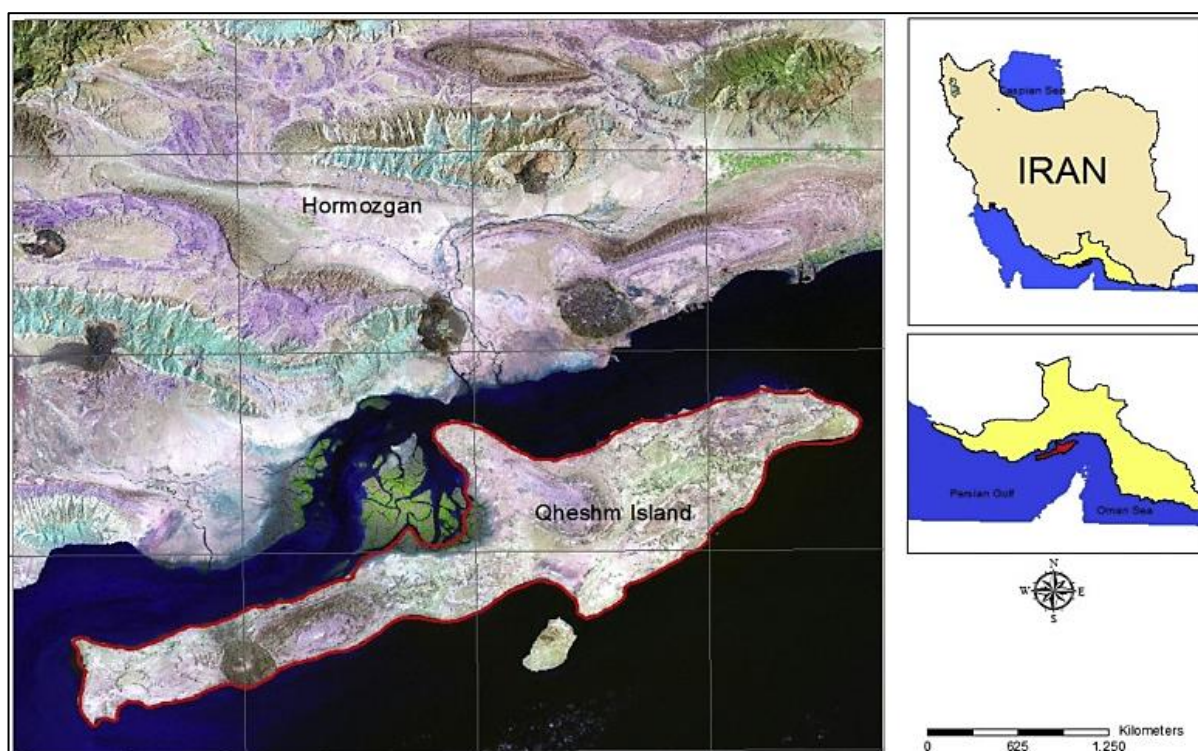


نقشه شماره ۱- منطقه آزاد کیش
منبع: (shayantejarat.com)

۲- منطقه آزاد قشم

جزیره قشم در مدخل خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد. مساحت این جزیره، ۱۴۳۰ کیلومتر مربع در فاصله ۳۷ کیلومتری جنوب بندرعباس و در دهانه تنگه هرمز قرار گرفته است. جزیره قشم بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس می‌باشد. این جزیره تقریباً موازی ساحل ایران قرار گرفته و به وسیله تنگه کلارنس از خاک اصلی ایران جدا شده است. بندر قشم در منتهی الیه شرق جزیره قرار دارد و بیشترین ارتباط دریایی جزیره را با خارج فراهم کرده و بیشترین شمار بازدیدکنندگان را در خود جای می‌دهد. این جزیره به دلیل قرار گرفتن در میان خلیج فارس و

اقیانوس هند همواره از موقعیتی استثنایی برخوردار است. قشم از دیرباز به عنوان یک مرکز تجاری بین آسیای غربی، شبه جزیره عربستان و سواحل شرقی آفریقا مورد توجه بوده است. تاریخ قشم به ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. همراه با کشف قاره آمریکا و توسعه راه‌های ارتباطی با آسیا از طریق دماغه امیدنیک، اهمیت استراتژیک خلیج فارس، تنگه هرمز و جزیره قشم بیش از پیش آشکار شد. مأموریت‌های خاص این منطقه عبارت‌اند از: تمرکز سوخت‌رسانی به شناورها و کشتی‌های در حال عبور از خلیج فارس، ایجاد صنایع تولیدی صادراتی، ارائه خدمات فنی-مهندسی، انتقال دانش فنی به منطقه و کشور، ایجاد پارک ملی (امینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۹).



نقشه شماره ۲- جزیره قشم
منبع: (iranreview.org)

۳- منطقه آزاد چابهار

بندر و شهر چابهار با مساحتی حدود ۱۰۹۰ هکتار در منتهی الیه جنوب شرقی کشور و در استان سیستان و بلوچستان و در کنار دریای عمان در گوشه شرقی خلیج چابهار واقع شده است. منطقه آزاد چابهار در زمینی به مساحت ۱۴ هکتار واقع شده که ۱۰ هکتار آن به فعالیت‌های صنعتی و ۴ هکتار به بخش‌های بازرگانی، توریسم و خدمات اقتصادی اختصاص یافته است. ایران از طریق بندر چابهار می‌تواند به دریای عمان که یکی از پراهمیت‌ترین راه‌های آبی جهان است، راه یافته و این امر دارای اهمیت اقتصادی است چرا که آبراهی است که ایران را با دریای آزاد و بنادر بزرگ و کوچک جهان مرتبط می‌سازد. مأموریت‌های خاص این منطقه عبارت‌اند از: ترانزیت کالا، تجارت منطقه‌ای، بارانداز تجاری کالاها و مواد اولیه، ایجاد صنایع تبدیلی و تولیدی با جهت‌گیری صادراتی، عرضه سوخت و ایجاد صنایع وابسته به نفت، گردشگری (احمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۲۶۲).



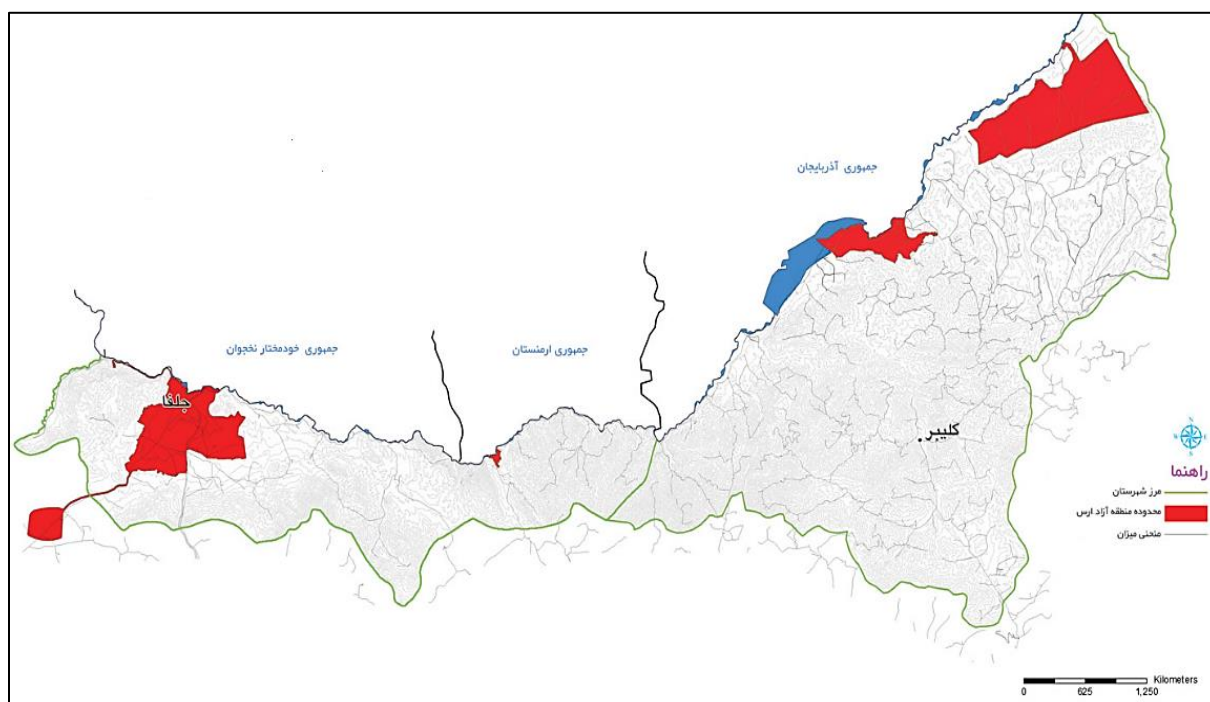
نقشه شماره ۳- منطقه آزاد چابهار

منبع: (استاندارداری سیستان و بلوچستان)

۴- منطقه آزاد ارس

منطقه آزاد ارس در شمال غرب ایران در نقطه صفر مرزی در همسایگی با کشورهای ارمنستان، آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان استقرار یافته است. بر اساس مصوبه هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۷ به شماره ۲۰۷۰۸/ت/۵۳۰۸۲۰ محدوده منطقه آزاد ارس شامل ۹۷۰۰ هکتار از اراضی منطقه است که بر اساس مصوبه جدید این هیئت در ۱۳۸۷/۹/۱۴، محدوده این منطقه به ۵۱ هزار هکتار شامل بخش‌هایی از ۲ شهرستان جلغا و کلیبر افزایش یافت. این محدوده ابلاغی در بخش متصل، محدوده اصلی را از ۹۷۰۰ هکتار به ۲۰۵۰۰ هکتار افزایش داده است و در ۳ بخش منفصل نیز قسمتی از شهرستان کلیبر به وسعت ۲۴ هزار هکتار (موسوم به قلی بیگ لو) و اراضی اطراف سد خدآفرین به وسعت ۶۱۰۰ هکتار و محدوده گمرک نوردوز (مرز ایران با ارمنستان) به وسعت ۲۴۰ هکتار جمعاً به وسعت ۵۱۰۰۰ هکتار کل محدوده منطقه آزاد ارس را تشکیل می‌دهد (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۸).

جلفا از زمان‌های پیش از میلاد به خاطر موقعیت جغرافیایی و استراتژیک اهمیت خاصی داشته و از لحاظ فرهنگی و مدنی دارای شهرتی بس فراوان بوده است. کتاب جغرافیای کیهان، نواحی جلغا را از قلمرو ارمنستان قلمداد می‌کند و خلاصه تاریخ این ناحیه را از عهد هخامنشی چنین بیان می‌کند: ساتراپی سوم ارمنستان بین سرچشمه فلات، دجله و کورا و ارس واقع شده و پایتخت قدیم آن موسوم به آرتاگز^۱ است در کنار رودخانه ارس قرار دارد و نواحی پست آن مخصوصاً دره ارس بسیار حاصلخیز است و محل چراگاه‌های بزرگ و تربیت اسب‌های خوب بوده است و ساتراپ‌های ارمنستان مکلف بودند همه ساله تعدادی اسب به دربار ایران تقدیم دارند. منطقه آزاد ارس به برکت برخوردار از موقعیت ژئواکونومیک ممتاز و دسترسی به بازارهای بین‌المللی سرمایه و تکیه بر امکانات برجسته توسعه ترانزیت و صادرات مجدد، توانمندی‌های بالای صادراتی و با فراهم‌سازی زیرساخت‌های توسعه فعالیت‌های بازرگانی در کنار گمرکات و مراکز تخلیه و بارگیری کالا و الگوسازی ورود به سازمان تجارت جهانی^۲ توانسته است در جهت ارتقای نقش هم‌پیوندی اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی، بسترساز تعامل سازنده کشور با جهان باشد. همچنین این منطقه به پشتوانه مناطق ارزشمند اکولوژیکی حفاظت شده، اقلیم مناسب، منابع غنی آب، ذخیره‌گاه‌های بین‌المللی جنگلی، محیط زیست مطلوب و قابلیت‌های توسعه گردشگری در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و ورزشی، به یک منطقه بین‌المللی گردشگری، تفریحی، سلامتی و درمانی تبدیل شده است.



نقشه شماره ۴- منطقه آزاد ارس منبع: (سازمان منطقه آزاد ارس)

مأموریت‌های خاص این منطقه عبارت‌اند از:

۱- تقویت هم‌پیوندی اقتصادهای ملی و بین‌المللی با الویت قفقاز جنوبی در راستای احراز جایگاه اول کشور در منطقه و بسترسازی و تمرین در راستای الحاق به سازمان تجارت جهانی. ۲- تبدیل منطقه مرزی مربوط، به یک قطب

^۱. Artaxa

^۲. WTO

علمی در سطح بین‌المللی و آزمایشگاه بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌ها و مزیت‌های سرزمین اصلی بر پایه دانش به منظور افزایش تولید ناخالص ملی. ۳- گسترش شیوه‌های نوین معیشت و فعالیت و ساماندهی استقرار جمعیت و فعالیت‌ها و فراهم‌سازی امکانات ورزشی، آموزشی، تفریحی و درمانی با نگاه فراملی. ۴- جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در زمینه‌های خاص مطالعه و سیاست‌گذاری شده با موضوعات گوناگون صنعتی و معدنی، کشاورزی و منابع طبیعی، مسکن و شهرسازی، بازرگانی، گردشگری، اقتصاد انرژی، آموزشی، پژوهشی، فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ و خدماتی، در یک فضای رقابتی با توجه به امکانات و پتانسیل‌های ویژه منطقه از جمله بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌های ترانزیتی کشور در دالان‌های ارتباطی شرقی- غربی و شمالی- جنوبی و رعایت اصول توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست (ولی قلی زاده، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

۵- منطقه آزاد انزلی

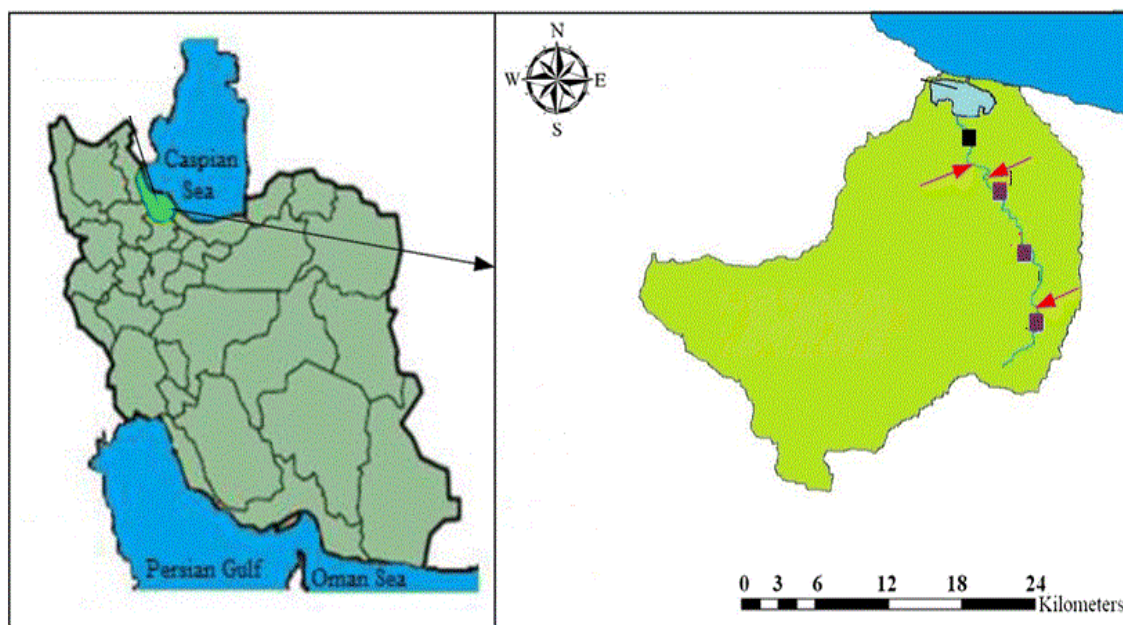
پیرو تحولات پس از فروپاشی شوروی و در پی تغییر و تحولات ساختاری روابط بین‌الملل منطقه قفقاز و کشورهای حاشیه دریای خزر در معادلات منطقه‌ای و جهانی اهمیت یافتند؛ این امر با دوران پس از جنگ تحمیلی در ایران و آغاز عصر سازندگی کشور هم‌زمان گردید، در این دوره، ورود به اقتصاد جهانی و اخذ سرمایه و تبع آن، دانش و تکنولوژی جدید، هدف ایران بود و دولت وقت با ایجاد مناطق آزاد در پی تحقق آن بود. در پی سفر ریاست جمهوری وقت به شهرستان انزلی و با توجه به خواست همگانی و بر اساس مصوبه هیئت دولت در سال ۷۵ منطقه ویژه اقتصادی بندر انزلی در دو بخش جداگانه تعیین گردید و در سال ۸۲ منطقه ویژه اقتصادی انزلی به منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی بدل شده و در سال ۸۳ نیز اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی مورد تصویب هیئت وزیران قرار گرفت و محدوده منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی در سال ۸۴ از طرف هیئت وزیران تعیین و ابلاغ شد (زینبند و یوسفی فرد، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

این منطقه شامل محدوده‌ای از شهرستان انزلی به مساحت تقریبی ۳۲۰۰ هکتار خشکی و تا عمق دو کیلومتر از آب‌های ساحلی است. محدوده منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی (به غیر از محدوده بندری) از غرب به اراضی نیروی دریایی و محدوده روستای طالب آباد و از سوی شرق به روستای چپرپرد پایین منتهی می‌شود. آثار باارزش طبیعی این منطقه عبارت‌اند از: ۱- پهنه جنگلی فتاتو: این پهنه در هم‌جواری روستاهای فتاتو و کوشیاء قرار گرفته است. جنگل فتاتو به لحاظ بافت جنگلی نمونه نادری است و از معدود باقی مانده‌های توسکائستان‌های قشلاقی حاشیه دریای خزر و یک میراث طبیعی تلقی می‌گردد و در برنامه‌ریزی‌های آتی در زنجیره گردشگری منطقه، به صورت یک ارزش طبیعی مدنظر قرار گرفته است (ممی پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

۲- تالاب انزلی: این تالاب از نظر ملی و بین‌المللی و به لحاظ ارزش‌های علمی، فرهنگی، تاریخی، چشم‌اندازها و مناظر طبیعی و از نظر زیبایی‌شناسی و ارزش‌های اقتصادی-اجتماعی، بسیار حائز اهمیت است که از جمله سایت‌های با ارزش منطقه محسوب می‌گردد. یکی از ویژگی‌های تالاب انزلی، ایجاد فضایی مناسب برای پرندگان آبی و کنار آبی است که باعث شده است، این‌گونه پرندگان برای تغذیه، لانه‌سازی و زادآوری در این تالاب آشیانه‌سازی

^۱. ICT

کنند، به طوری که از مجموع ۱۴۰ گونه پرنده مهاجر در ایران، ۷۷ گونه از پرندگان مهاجر به تالاب انزلی مهاجرت می‌کنند؛ که این موضوع نیز زیبایی خاصی به این تالاب داده است و باعث گردیده که هر ساله خیل عظیمی از گردشگران داخلی و خارجی را به خود جذب نماید. تالاب انزلی به خاطر زیبایی بی‌نظیر و هم‌جواری آن با جنگل و رودخانه، قابلیت زیادی برای فعالیت‌های گردشگری دارد، بدین لحاظ در برنامه‌ریزی گردشگری منطقه نقش ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است (رمضانی گورابی، ۱۳۸۸: ۴۹).



نقشه شماره ۵- منطقه آزاد انزلی

منبع: (Springer Link)

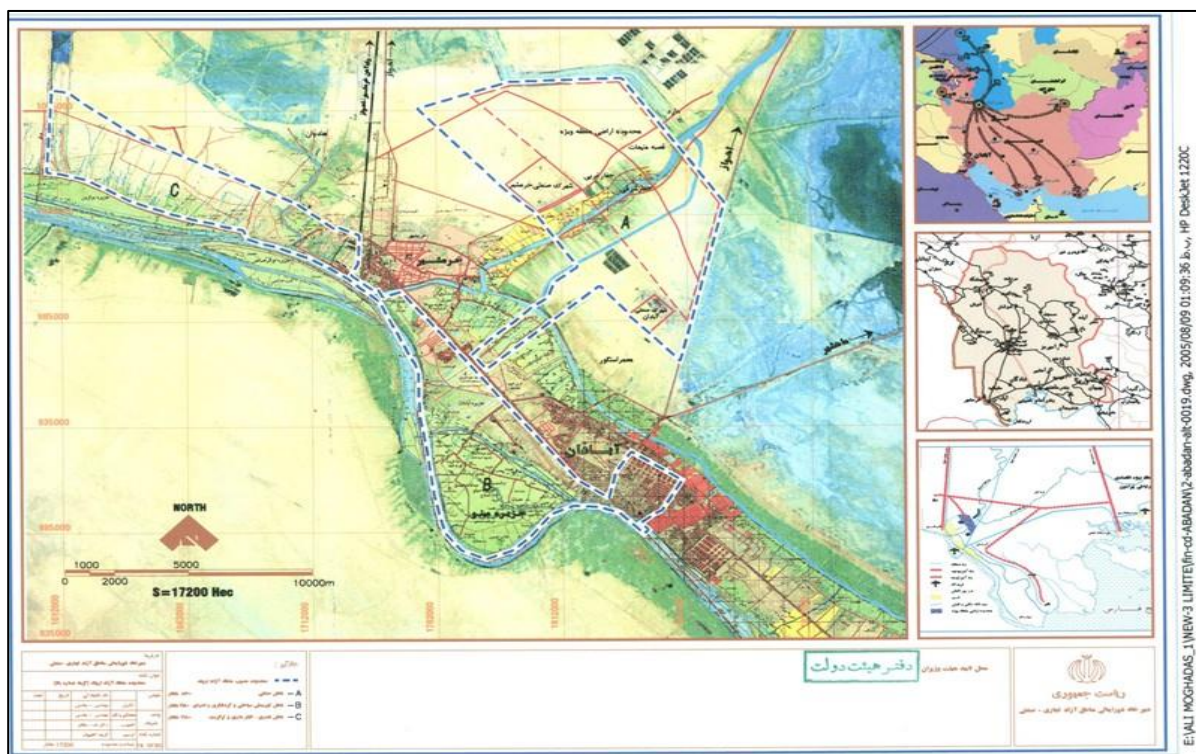
۳- دریای خزر و سواحل زیبای آن: بزرگ‌ترین دریاچه جهان که در اصطلاح آن را دریا می‌نامند، دریاچه خزر می‌باشد. دریاچه خزر از دریاچه سوپریورپین که دومین دریاچه بزرگ دنیاست ۵ برابر وسیع‌تر است و توسط ۵ کشور ایران، آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان احاطه شده است. سواحل بکر و ماسه‌ای این دریا به همراه غلظت کم نمک آب آن محیط مناسبی جهت شنا و دیگر تفریحات، به وجود آورده است، این دریا به عنوان اصلی‌ترین مکان گردشگری و توریستی استان گیلان مطرح باشد که همه ساله میلیون‌ها گردشگر داخلی و خارجی را به خود جذب می‌نماید (میردار و بخشنده، ۱۳۸۸: ۲۲). این دریا همچنین از نظر ارزش‌های اقتصادی و بیولوژیک نیز بسیار با اهمیت است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- منابع نفت و گاز دریای خزر؛ کارشناسان، دریای خزر را بعد از خلیج فارس و سیبری به عنوان سومین منطقه دارای ذخایر عظیم نفتی و گاز جهان معرفی نموده‌اند. ۲- در دریای خزر ۱۱۴ گونه ماهی و ۶۳ زیرگونه موجود است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ماهی‌های آزاد، کپور، سفید و... و همچنین دریاچه خزر یکی از منحصر به فردترین اکوسیستم‌های آبی جهان است که محیطی مناسب برای زندگی و رشد مرغوب‌ترین ماهی‌های خاویاری جهان می‌باشد. مأموریت‌های خاص این منطقه عبارت‌اند از: عمران و آبادانی و ارائه خدمات عمومی و رشد و توسعه اقتصاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، تشویق

تولید و صادرات کالا، ورود و حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، جذب فناوری‌های جدید و انتقال علم و دانش فنی به عوامل تولید داخلی همسو با توسعه علمی و فناوری‌های جهان، تسریع در فرآیندهای تجاری، اقتصادی و فناوری با ایجاد بستر مناسب جهت انجام آزمایشی طرح‌ها و تعمیم آن به سراسر کشور. منطقه ویژه اقتصادی بندر امیرآباد اولین منطقه آزاد در استان مازندران خواهد بود که مدت‌ها در انتظار اعلام و تصویب آن بوده است (قابضی، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

۶- منطقه آزاد اروند

منطقه آزاد اروند در شمال غربی خلیج فارس به وسعت ۱۷۲ کیلومتر مربع در محل تلاقی دو رودخانه اروند رود و کارون واقع است و دارای مرز مشترک میان کشورهای عراق و کویت می‌باشد این منطقه با داشتن ظرفیتی از قبیل حمل و نقل جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موقعیت ویژه جغرافیایی منطقه آزاد اروند و نقش کانال‌های ترانزیتی و استراتژیکی آن در تلاقی مسیرهای تجارتي و دسترسی آسان به راه‌های آبی بین‌المللی و همچنین مجاورت با دومین استان بزرگ عراق، بصره که دروازه ورود تجارت به عراق و سپس مدیترانه محسوب می‌شود و وقوع بر محور راه‌های زیارتی عتبات، توجه روزافزون به این منطقه را به عنوان یک مکانیزم زیربنایی توسعه و انگیزش ارتباطات فرامنطقه‌ای و جلب عبور و مرور ترانزیتی، آشکار می‌سازد. این منطقه در سال ۸۴ راه‌اندازی شد. از اراضی این منطقه، ۸۶۰۰ هکتار به فعالیت‌های صنعتی و ۴۸۰۰ هکتار به سایر بخش‌ها در زمینه بازرگانی، گردشگری و اداری و ۳۸۰۰ به بخش‌های بندری، انبارداری و ترانزیت اختصاص یافته است (قابضی، ۱۳۸۳: ۱۸۹).



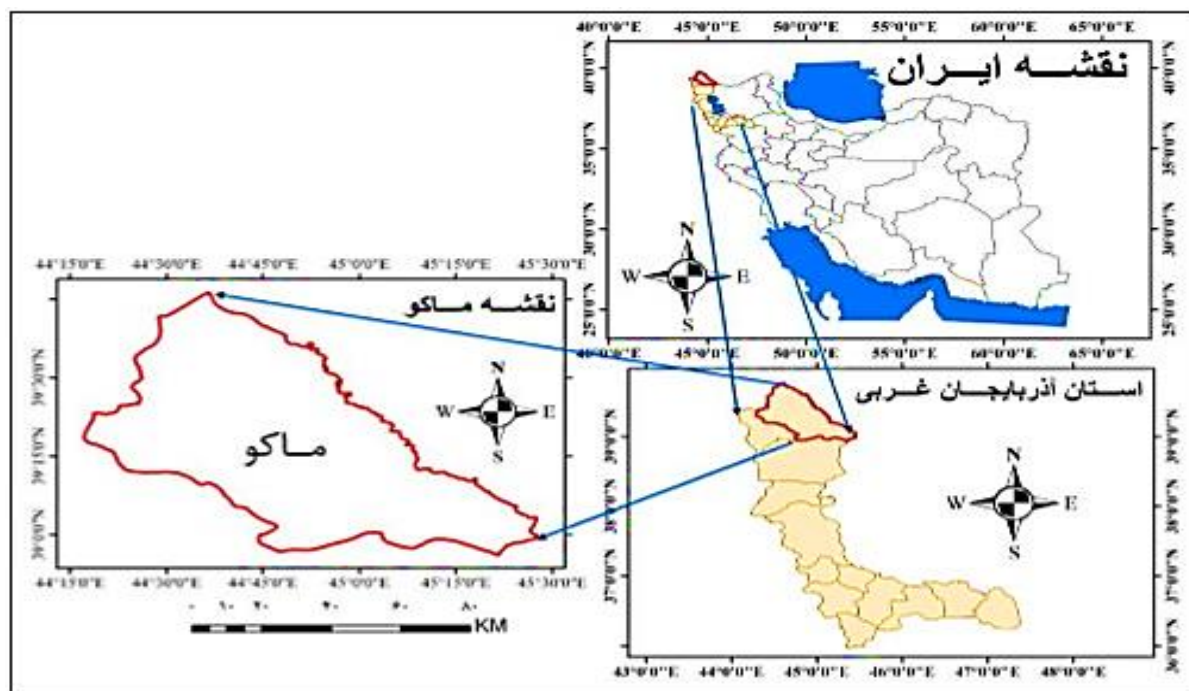
نقشه شماره ۶- منطقه آزاد اروند

منبع: (سازمان منطقه آزاد اروند)

۷- منطقه آزاد ماکو

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۵ بنا به پیشنهاد شماره ۸۹۲/۱۰/۵۱۰ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۰ شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی و به استناد بند «ب» ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۲ - اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی ماکو را به تصویب رساند. شهرستان ماکو در شمال غربی ایران (استان آذربایجان غربی) قرار گرفته که از شمال به رودخانه قره سو و کشور ترکیه، از شرق به رودخانه ارس و جمهوری آذربایجان (خود مختاری نخجوان) و از مغرب به جمهوری ترکیه و از جنوب به شهرستان خوی محدود است. شهر ماکو در دره‌ای بنا شده که رودخانه زنگبار از آن می‌گذرد و شهر را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. قسمت جنوبی شهر در دامنه کوه سبد قرار گرفته و آبادی چندانی ندارد ولی بخش شمالی آن آبادتر و بزرگ‌تر است (قربانی، ۱۳۹۴: ۴۲).

این شهر از لحاظ طبیعی موقعیت خاصی دارد. شهر از طرف شمال و جنوب کوهستانی است و از جانب غرب و شرق به جلگه‌های قلعه دره سی و چای باسار منتهی می‌گردد. ماکو با برخورداری از تمدن کهن و آثار تاریخی غنی و جاذبه‌های متعدد فرهنگی و طبیعی به عنوان یکی از قطب‌های مهم گردشگری توان بالقوه فراوانی در بهره‌گیری از صنعت گردشگری دارد شرایط آب و هوایی مناسب، پوشش گیاهی، رودها، چشمه‌ها، غارها، آبشارها، قلعه‌ها و دژها، گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری، اماکن و ابنیه تاریخی، صنایع دستی و باغات اطراف شهر، جلگه‌ها و دامنه‌های پر از گل‌های وحشی، دست بافته‌های عشایر، لباس‌های رنگی، محلی و از همه مهم‌تر مردم خونگرم و مهمان نواز زمینه مناسبی برای جذب مسافران و جهانگردان و ایجاد مراکز تفریحی خدماتی را فراهم آورد (قربانی، ۱۳۹۴: ۴۲).



نقشه شماره ۷- منطقه آزاد ماکو

منبع: <https://iranianshahrsaz.ir>

استان‌های مرزی ایران

ایران بیش از ۸۷۰۰ کیلومتر مرز خشکی و آبی دارد و با ۷ کشور عراق، آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان و ترکیه دارای مرز خشکی و با ۶ کشور روسیه قزاقستان (در شمال)، کویت، قطر، امارات متحده عربی و بحرین (در جنوب) دارای مرز آبی است. طولانی‌ترین مرز ایران با عراق و کوتاه‌ترین مرز را با کشور ارمنستان دارد. مرز ایران با عراق ۱۴۵۸ کیلومتر و مرز ایران با ارمنستان تنها ۳۵ کیلومتر است. همچنین طول مرز ایران با کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه نیز به ترتیب ۹۳۶، ۹۰۹، ۹۹۲، ۷۵۹ و ۴۹۹ کیلومتر است. از بین ۳۱ استان کشور ۱۶ استان، استان‌های مرزی محسوب می‌شوند که بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰ بیش از ۴۵ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. طبق این سرشماری جمعیت ۱۶ استان مرزی کشور ۳۶ میلیون و ۲۴۱ هزار و ۸۵۵ نفر است و این میزان جمعیت خود نشان دهنده اهمیت بسیار زیاد استان‌های مرزی است. از سوی دیگر آمار وزارت کشور از تعداد سرپرستان خانوارهای مرزی هم نشان می‌دهد سه میلیون و ۲۸۸ هزار و ۴۱۳ سرپرست خانوار در نقاط مرزی کشور زندگی می‌کنند؛ اما همه این آمارها در حالی اهمیت مناطق و استان‌های مرزی را نشان می‌دهد که مناطق مرزی بیشترین محرومیت، بیکاری و پایین‌ترین سطح کیفیت زندگی را در کشور دارند و فاصله این مناطق با استان‌های مرکزی سالانه سبب بیشترین مهاجرت‌ها به مراکز استان‌ها و شهرهای مرکزی کشور می‌شود (علینقی، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

در شهرهای مرزی کشور، بیش از ۶۰ شهر در فهرست مناطق و شهرهای محروم قرار دارند. شهرهایی که هر کدام از آن‌ها دارای تعدادی بخش و روستای کوچک محروم در حاشیه نقاط مرزی هستند. مناطق مرزی ایران از لحاظ راه‌های دسترسی، امکانات آموزشی و بهداشتی، رفاه و خدمات اجتماعی، شرایط مسکن، بیمه و امکانات اولیه زندگی در پایین‌ترین سطح قرار دارند. بیشتر مناطق مرزی و شهرهای اطراف مرزهای کشور فاقد صنایع مادر و یا کارخانه‌های بزرگ صنعتی هستند و معمولاً حجم سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در این مناطق بسیار پایین است. همین موضوعات در سال‌های گذشته باعث شده تا کیفیت زندگی در مناطق مرزی کشور و استان‌های مرزی بسیار پایین باشد و استان‌های مرزی جزو مناطق محروم کشور محسوب شوند. بر اساس آمار نفوذ مسکن سال ۱۳۹۰ استان‌های مرزی کشور در مجموع یک میلیون و ۷۳۰ هزار بیکار را در خود جای داده‌اند. البته در این آمار اعداد مشخص و بررسی دقیقی روی نقاط مرزی به صورت متمرکز انجام نشده و تنها آمار از استان‌های مرزی ارائه شده است. بر اساس آخرین آمار نرخ بیکاری در کشور به تفکیک استان‌ها؛ لرستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، گیلان و سیستان و بلوچستان بیشترین نرخ بیکاری را در کشور دارند که از بین آن‌ها ۵ استان مرزی هستند. در سال‌های گذشته بالا بودن نرخ بیکاری در استان‌های مرزی باعث شده تا ورود غیرقانونی انواع کالاها و مواد ممنوع و غیر ممنوع به شغل اصلی بسیاری از ساکنان شهرهای مرزی کشور تبدیل شود. شغلی که به «کوله بری» مشهور است و هر ساله آسیب بسیار زیادی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. طبق آمارهای رسمی حجم قاچاق کالا طی سال گذشته از مرزهای غیرقانونی کشور بیش از ۱۹ هزار میلیارد دلار بوده است که تقریباً برابر یک چهارم میزان واردات کشور (۷۵ هزار میلیارد دلار) است (علینقی، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

در کنار درصد بالای قاچاق کالا به کشور یکی دیگر از آسیب‌های جدی بیکاری و نبود اشتغال برای مرزنشینان کشور، مهاجرت آن‌ها و خالی شدن روستاها و مناطق مسکونی اطراف مرز از سکنه است. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد در سال‌های گذشته شاهد افزایش میزان مهاجرت روستاییان ساکن اطراف مرز به داخل شهرها و مراکز استان‌های هم‌جوار مرز برای پیدا کردن شغل و حتی مهاجرت به شهرهای بزرگ مانند تهران بوده‌ایم. به اعتقاد کارشناسان جغرافیای سیاسی و امنیتی خالی شدن روستاها و مناطق اطراف مرز از سکنه می‌تواند در کوتاه و بلندمدت به ناامنی در مناطق مرزی کشور دامن بزند، موضوعی که در استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان هم اکنون شاهد آن هستیم. در تمامی کشورهای جهان به مرزهای مشترک بین کشورها به عنوان فرصت نگاه می‌شود. نقاط مرزی معمولاً فرصت‌های اقتصادی مطلوبی هستند که با راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی و رونق اقتصادی و بازرگانی می‌توانند نقش مؤثری در اقتصاد کشورها بازی کنند علاوه بر اینکه به ایجاد اشتغال در جوامع محلی و منطقه‌ای هم منجر می‌شوند. نداشتن امکانات مناسب اولیه و تخصصی، نبود مدیریت یکپارچه و هماهنگ، نبود راه‌های دسترسی و جاده‌های مناسب، ناامنی مناطق اطراف، نبود امکانات رفاهی و خدماتی مانند مسافرخانه و رستوران و عدم هماهنگی بین کشور با کشورهای همسایه در این بازارچه‌ها دلایل ناکامی راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی در سال‌های گذشته بوده است (اخوی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

این مشکلات و چالش‌ها در شرایطی به ناکامی در راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی بوده است که به اعتقاد کارشناسان فرهنگ، آداب و رسوم و زبان مشترک بین بسیاری از نقاط مرزی کشور با کشورهای همسایه می‌تواند پتانسیلی برای رونق بازارچه‌های باشد. پتانسیل‌هایی که به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته چندان جدی گرفته نشده‌اند. در کنار بازارچه‌های مرزی تعاونی‌های مرزی هم می‌تواند به رونق اقتصادی در شهرها و روستاهای مرزی کمک بسیاری کنند و در نهایت امنیت را در این مناطق افزایش دهند. علاوه بر مسائل اقتصادی، توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی هم در مناطق مرزی کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به برقراری امنیت پایدار در مرزهای کشور کمک بسیار می‌کند به ویژه اینکه تمام استان‌های مرزی کشور از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در شرایطی خاص قرار دارند. ایران از نظر سکونت اقوام گوناگون با مذاهب و زبان‌های مختلف دارای تنوع بسیاری است که بیشتر این اقوام در مناطق و استان‌های مرزی کشور زندگی می‌کنند به طوری که تمام ۱۶ استان مرزی کشور سرزمین اقوام گوناگون (در استانی مانند آذربایجان شرقی بیشتر و در استان‌هایی مانند بوشهر کمتر) هستند (اخوی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). مناطق مرزی ایران از نظر فرهنگی و قومی گروه‌های مختلفی را در خود جای داده‌اند که از آن جمله می‌توان به اقوام آذری و کرد در استان‌های غربی و شمال غربی، عرب‌ها در استان‌های جنوب غربی و جنوب کشور، ترکمن‌ها در شمال شرقی کشور و بلوچ‌ها در جنوب شرقی و شرق کشور اشاره کرد. به اعتقاد کارشناسان برقراری امنیت مرزهای کشور بدون توجه ویژه به این اقوام، آداب و رسوم، فرهنگ و زبان آن‌ها امکان‌پذیر نیست. در این بین بسیاری از بزرگان دینی و قومی در مناطق و استان‌ها مرزی معتقدند برای برقراری هرچه بیشتر آرامش در نواحی مرزی بهتر است برقراری امنیت مرزها در این مناطق به نیروهای بومی و محلی سپرده شود که آشنایی کامل با مناطق مرزی دارند اتفاقاتی که پیش طی هزاران سال در مناطق مرزی افتاده بود. حضور و زندگی اقوام در مناطق مرزی به

اعتقاد بسیاری از کارشناسان می‌تواند فرصتی مناسب برای پیشبرد اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور باشد (اخوی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

علل ناکارآمدی مناطق آزاد در ایران

در تبیین ناکارآمدی مناطق آزاد چند نکته قابل ارائه است: یک نکته عدم تفکیک مناطق آزاد از کل کشور در نگاه سرمایه‌گذاران است. در واقع، سرمایه‌گذاران برای ورود به حوزه سرمایه‌گذاری به یک کشور، به شاخص‌های مختلفی که توسط نهادهای معتبر بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد، توجه می‌کنند که عمده شاخص‌های تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران برای انتخاب محل سرمایه‌گذاری ثبات قوانین، فساد، مالیات، تعرفه‌ها، نرخ تورم، نرخ سود، هزینه شروع کسب‌وکار، رویه‌های ثبت دارایی‌ها، هزینه‌های بازرگانی و ... را شامل می‌شود. از مجموع این شاخص‌ها، علی‌رغم قانون‌گذاری‌های مجزا در مناطق آزاد تنها بحث مالیات و تعرفه‌ها در مناطق آزاد با سرزمین اصلی متفاوت است و در مابقی شاخص‌ها مشکلاتی که در سرزمین اصلی وجود دارد در مناطق آزاد نیز حکم‌فرماست؛ این در حالی است که در سایر کشورها، شاخص‌های مدنظر سرمایه‌گذاران در منطقه آزاد از سرزمین اصلی متفاوت است و به همین دلیل سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد این کشورها برای سرمایه‌گذاران مقرون به صرفه است اما در کشور ما چنین فرصتی برای سرمایه‌گذاران خارجی وجود ندارد (فیضی، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

نکته دیگری که در عدم موفقیت مناطق آزاد نقش مؤثری دارد، بحث امتیازات مشابه مناطق آزاد در سرزمین اصلی است. بدین صورت که امتیازات مشابه متعددی وجود دارد که هم در مناطق آزاد و هم در سرزمین اصلی اجرا می‌شود که این موضوع به مانعی برای رشد مناطق آزاد تبدیل شده است. به طور مثال، معافیت‌ها و امتیازاتی که قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۸۰، ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم و ماده ۳۲ احکام دائمی کشور در اختیار سرمایه‌گذاران می‌گذارد، در سرزمین اصلی و مناطق آزاد یکسان است و از آنجا که سرزمین اصلی زیرساخت‌های بهتری دارد و بازار مصرف نیز در دسترس‌تر است، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد به جای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، در سرزمین اصلی اقدام به سرمایه‌گذاری کند. موضوع دیگر، بحث تضاد منافع بین حاکمیت منطقه با اهداف تعیین شده برای مناطق آزاد است. به طور مثال، در بحث منبع درآمد مناطق آزاد، هیچ بودجه دولتی برای آن در نظر گرفته نشده و ۱۵ درصد ارزش کالاهای تجاری که از یک منطقه وارد کشور می‌شود به عنوان درآمد مناطق آزاد لحاظ شده است. طبیعتاً این موضوع، باعث می‌شود مناطق آزاد واردات محور شوند و اگر یک منطقه آزاد صادراتی نداشته باشد، با خللی در بحث درآمدی مواجه نشود. این امر در واقع، بر خلاف اهداف صادرات محور بودن مناطق آزاد می‌باشد که در قوانین منظور شده است و واردات بیشتر درآمد بیشتری را نصیب مناطق آزاد می‌کند. بحث بعدی، بحث مدیریت‌های کوتاه مدت و در نتیجه توجه بیشتر به فعالیت‌های زودبازده و موقت (تجاری) است که در دولت‌های گذشته شدت بیشتری داشت، اما در این دولت وضعیت مناسب‌تری دارد. به طوری که از سال ۷۲ تاکنون حدود ۵۶ مدیر در مناطق آزاد کشور جابجا شده که به طور میانگین هر مدیر حدود ۲ سال مدیریت یک منطقه را بر عهده داشته است (عسکری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۳).

مقایسه مناطق آزاد ایران با برخی مناطق آزاد موفق جهان از جمله هاینان^۱ چین و جبل علی^۲ امارات نشان می‌دهد که سایر کشورها بر صادرات، تولید و رشد سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تمرکز کرده‌اند، در حالی که در کشور ما تمرکز اصلی در مناطق آزاد بحث توسعه محلی بوده است. همچنین، برخلاف دیگر کشورها که ابتدا زیرساخت‌های لازم را در مناطق آزاد ایجاد و سپس اقدام به تأسیس آن محدوده به عنوان منطقه آزاد می‌کنند، در کشور ما بدون آمایش سرزمین و بدون توجه به بحث زیرساخت‌ها در یک منطقه اقدام به تأسیس منطقه آزاد شده است. در واقع، ابتدا منطقه آزاد تأسیس و سپس، به دنبال ایجاد زیرساخت از طریق عوارض واردات در آن منطقه کرده‌ایم که این امر باعث شده مناطق آزاد به جای تولید و صادرات محور بودن، واردات محور شوند تا بتوان منابع مورد نیاز برای ایجاد زیرساخت را در آن منطقه فراهم کرد؛ که غالباً این هدف نیز محقق نشده است. هرچند در آیین نامه چگونگی ایجاد مناطق آزاد نیز بر این تأمین زیرساخت قبل از ایجاد مناطق آزاد تأکید شده است و در ماده ۲۳ برنامه ششم توسعه و همچنین، ماده ۶۲ ضوابط ملی آمایش سرزمین مصوب ۹۴ نیز، مجدداً بر این موضوع و همچنین ایجاد مناطق آزاد و ویژه بر اساس مطالعات آمایش سرزمین اشاره شده است (عسکری و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۳).

در ادبیات بین‌المللی اقتصادی و گزارش‌های سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در مورد علل ناکامی بعضی از مناطق آزاد، عوامل متعددی را فهرست می‌کنند که عوامل زیر از جمله مهم‌ترین آن شمرده می‌شود:

- مکان‌یابی نادرست؛ فضای نامساعد برای جذب سرمایه خارجی؛ بی‌ثباتی سیاسی و ضعف قدرت مرکزی در اتخاذ تصمیم‌های اساسی؛ ضعف مدیریت منطقه آزاد (وجود بوروکراسی، فساد مالی، تورم کارمند، دخالت‌های بی‌مورد عوامل خارج از منطقه آزاد، وجود قوانین و مقررات دست و پا گیر و ...)؛ کمبود آموزش نیروی کار و بازده اندک نیروی انسانی (گرانی نیروی کار)؛ هزینه تأسیسات زیربنایی و سرمایه‌گذاری‌های بی‌مورد؛ ضعف تعمیر و نگهداری تأسیسات و امکانات زیربنایی و ناکارایی عملیاتی؛ کمبود امکانات مالی و نقدینگی؛ کمبود ارتباطات و ضعف خدمات دهی و خدمات رسانی و بالاخره ناآگاهی از اینکه سرمایه خارجی فاقد ملیت است و به مجرد احساس ناامنی و کم‌بازدهی، منطقه آزاد را ترک کرده و به فضای امن‌تری نقل مکان خواهد کرد. تجربه تأسیس مناطق آزاد در قاره آسیا نشان داده است که ایجاد این مناطق در کشورهایی دارای فضای سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و مقید به رعایت تشریفات زائد گمرکی، ارزی، اداری و سایر ضوابط و مقررات دست و پاگیر حداقل به عنوان ابزار آزمایشی توانسته برای توجیه رفع موانع ضد توسعه‌ای به کار گرفته شده و دانش و مهارت‌های جدید قابل توجهی از طریق مناطق آزاد کسب شود (لطیفی و امین آقایی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

کشورهای در حال توسعه‌ای که به ایجاد منطقه آزاد روی آورده‌اند بر این باورند که منطقه آزاد می‌تواند یاری دهنده آنان در رهایی از فقر و عقب‌ماندگی باشد. تجربیات این کشورها نشان می‌دهد که مجموعه عواملی چون برخورداری از صلح و آرامش، برخورداری از روابط بین‌المللی کم‌تشنج و نیز رعایت تعهدات بین‌المللی، برخورداری از ثبات داخلی و تمرکز سیاسی و ثبات در قوانین و مقررات، برخورداری از اجماع نظر در زمینه هدف‌های ایجاد و گسترش مناطق آزاد و حمایت همه جانبه دولت، برخورداری از موقعیت مکانی درست، پذیرفتن

^۱ . Hainan

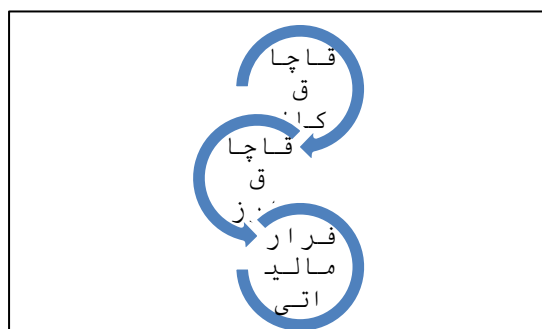
^۲ . Jebel Ali

هدف‌های آزادسازی اقتصادی و مالکیت خصوصی و ضرورت کاهش مداخلات دولتی در امور اقتصادی به لحاظ رعایت اصل عرضه و تقاضا در مبادلات اقتصادی، برخورداری از قوانین و مقررات بدون ابهام در مورد حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و نیز برخورداری از یک سیستم اداری فاقد جنبه‌های بوروکراتیک در منطقه آزاد و رها از دخالت‌های عوامل خارج از منطقه، برخورداری از قوانین و مقررات گمرکی ساده و فاقد جنبه‌های دست و پاگیر در منطقه و مواردی دیگر را پیش‌نیازها و داده‌های اصلی موفقیت مناطق آزاد را تشکیل می‌دهد و فقدان هر یک از آن‌ها می‌تواند توفیق در این زمینه را با موانع جدی مواجه سازد (لطیفی و امین آقایی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

در حقیقت نقش اصلی مناطق آزاد در کشورهای بزرگی چون هند، چین، ایران و مانند آن‌ها، تغییر تفکر اقتصادی در این کشورها و همسویی اقتصاد ملی آن‌ها با اقتصاد جهانی است. چین و تا حد زیادی هندوستان نمونه بارز این تغییر تفکر هستند. این دو کشور از ابزار منطقه آزاد به خوبی در راستای بازگشایی اقتصاد خویش بهره گرفته‌اند و توانسته‌اند با تغییر قوانین و مقررات در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد فضای مناسب توسعه از تکنولوژی و علم دیگران بهره‌گیرند و با افزایش تعداد مناطق آزاد با سرعت بیشتری فضای درونی اقتصاد ملی را تغییر دهند و قوانین و مقررات و سیاست کلی اقتصادی را با شرایط اقتصاد جهانی هماهنگ و هم‌جهت سازند. چین طی سال‌های اخیر با اعمال سیاست باز اقتصادی کوشش و افری در ایجاد محیط مناسب سرمایه‌گذاری خارجی مصرف کرده و با وجود مالکیت دولتی با اعمال سیاست آزادسازی و به کارگیری ابزار منطقه آزاد اقتصاد خود را جهش داده و اصلاحات گسترده‌ای را در آن به عمل آورده است. راز موفقیت چین را باید در وحدت تصمیم‌گیری و حمایت قاطع دولت چین از اصلاحات اقتصادی که همسو و هماهنگ با اهداف مناطق آزاد است دانست (قلی زاده و الله وردی زاده، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

بازطراحی مناطق آزاد استان‌های مرزی

مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌هایی را که به واسطه مناطق آزاد به دلیل قرار داشتن در حوزه استثنائات تجاری برای اقتصاد کشور ایجاد شده است را در سه محور اصلی می‌توان خلاصه کرد.



نمودار شماره ۱- آسیب‌های مناطق آزاد برای اقتصاد کشور

منبع: (<http://www.ettelaat.com>)

به عبارت دیگر، از آنجا که ورود کالا در مناطق آزاد از قوانین صادرات و واردات رسمی کشور پیروی نمی‌کند، باعث شده تا از یک سو نظارت کافی بر ورود و خروج کالا در مرزهای مناطق آزاد وجود نداشته باشد و از سوی دیگر، امکان انبار کردن کالای خارجی پشت مرزهای کشور بدون نظارت دقیق شکل بگیرد و همین امر روند تسهیل

قاچاق را در این مناطق دامن زده است. همچنین، از آنجا که در محدوده مناطق آزاد خرید و فروش ارز توسط هر شخص حقیقی و حقوقی آزاد است و تبادلات ارزی تابع قوانین ارزی کشور نیست، باعث شده قاچاق ارز را به واسطه این مناطق شاهد باشیم. معافیت مالیاتی نیز که در مناطق آزاد در راستای اهداف تولیدی و همچنین سرمایه‌گذاری صورت گرفته، افراد سودجو را به این سمت سوق داده که برای فرار از پرداخت مالیات، اقدام به ثبت شرکت و فعالیت اقتصادی خود در این مناطق کنند، در حالی که فعالیت اصلی آن‌ها در سرزمین اصلی انجام می‌شود. به طور مثال، مواد پتروشیمی در محیط بورس به فروش می‌رسند و بعضاً محل تحویل خوراک به صورت صوری در مناطق آزاد یا ویژه اعلام می‌شود، در حالی که این معامله و تحویل کالا در سرزمین اصلی صورت می‌گیرد؛ یا ثبت ۲۸۴۱ شرکت با یک آدرس و کد پستی نشان دهنده سوء استفاده از امتیاز مالیاتی در این مناطق است (قلی زاده و الله وردی زاده، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

مناطق آزاد ایران با ۵۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت تنها ۳۰ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده‌اند از طرف دیگر جمعیت شهروندانی که در فضای اختصاصی و محصور مناطق سکونت دارند در تناسب با جمعیت کل کشور به مراتب عددی کمتر از قیاس درصدی فوق را نشان می‌دهد. لیکن با عنایت به تعدد فعالیت‌ها، ماهیت بین حوزه‌ای، استقلال عملکرد، قوانین حمایتی و جذاب و از این دست، این مناطق حوزه نفوذ بسیار وسیعی داشته و شاید بتوان افراد ذی‌ربط با کارکرد مناطق از سرمایه‌گذار و تجار گرفته تا فروشندگان و نیروهای خدماتی از رانندگان وسایط نقلیه و غرفه‌داران گرفته تا کارگران فصلی و دارندگان مشاغل کاذب و در مجموع نیروی انسانی وابسته به زنجیره ارزشی تولید و خدمات در مناطق به شکل مستقیم و غیر مستقیم را چند ده برابر بیش از جمعیت ساکن در مناطق دانست. امری که بلا تردید از توان‌های محیطی و اکولوژیک طبیعی و انسانی مناطق آزاد و ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی آنان در توسعه توریسم، تجارت، صنایع سنگین و سبک، ترانزیت، آموزش، خدمات تخصصی و البته قوانین و رسالت مناطق نشأت می‌گیرد؛ اما از منظر سیاست خارجی، توزیع فضایی مناطق آزاد ایران در نوار مرزی، منطبق و هم‌جوار با کشورهایایی است که روابط مناسب دیپلماتیک و قرابت فرهنگی با ایران دارند. وجود این مناطق تقویت پیوندهای سیاسی را در پی داشته و همواره قابل تقویت است. اساساً یکی از دلایل راه‌اندازی مناطق آزاد مرزی در دنیا همین مؤلفه می‌باشد؛ اما به نظر می‌رسد آن‌چنان که باید و شاید از این ظرفیت به شکل صحیح و مطلوبی استفاده نشده است که شاید از عواملی همچون تحریم‌ها و برخی سیاست‌های داخلی ناشی شود (فتح‌اللهی راد، ۱۳۷۷: ۴۳).

در حال حاضر چهار نوع واردات از مسیر مناطق آزاد به کشور صورت می‌گیرد که بخشی اصلی آن شامل کالاهای مصرفی است به سرزمین اصلی (قلمروی جغرافیایی ایران به جز مناطق آزاد) سرازیر می‌شود. بخش دیگر واردات مانند کالاهای ساختمانی برای مصرف در مناطق آزاد بوده و واردات به منظور استفاده در صنایع (واردات کالای سرمایه‌ای) و واردات برای صادرات مجدد هم از گونه‌های دیگر واردات به مناطق آزاد است. طبق آخرین آمار شورای عالی مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی، از حجم واردات و صادرات این مناطق در سال ۱۳۹۲، میزان صادرات قطعی شامل کالای حاصل از تولید از هفت منطقه‌ی آزاد به وزن ۴۱۰ هزار و ۹۸۸ تن، معادل ۰/۴۴ درصد از کل

صادرات کشور بوده است. ارزش این میزان صادرات قطعی ۱۳۲ میلیون دلار برآورده شده که در برابر سه میلیارد و ۱۹۸ میلیون دلار واردات سال ۱۳۹۲ از این مناطق، رقمی ناچیز است.

بر اساس آمار موجود، بیشترین صادرات از منطقه‌ی انزلی با رقم ۴۶ میلیون دلار بوده و از مناطق آزاد اروند و ماکو هیچ صادراتی انجام نشده است. همچنین، در سال ۱۳۹۱، ۶/۴ میلیارد دلار انواع کالا از هفت منطقه‌ی آزاد شامل مناطق آزاد انزلی، ارس (جلفا)، چابهار، حسن رود، اروند (خرمشهر)، قشم و کیش به کشور وارد شده است (فتح‌اللهی راد، ۱۳۷۷: ۴۳).

طبق این آمار، میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از منابع داخلی در مناطق آزاد به ۵۲ هزار و ۷۳۲ میلیارد ریال رسیده و سرمایه‌گذاری‌های خارجی هم حدود ۳۱ میلیون دلار ارزیابی شده است. این آمارهای رسمی نشان می‌دهد تسهیلات ایجاد شده در مناطق آزاد تنها به نفع واردات و بنگاه‌های خدماتی بوده و نه توسعه‌ی صنایع تولیدی و افزایش صادرات و درنهایت ارزآوری. با توجه به آنچه گفته شد این پرسش مطرح است که چرا مناطق آزاد در انجام مأموریت خود عملکردی موفق نداشته است؟ همچنان که اشاره شد به جز عامل‌های خارجی مانند تحریم، مهم‌ترین دلیل شکست طرح و هدف مناطق آزاد را می‌توان سوء مدیریت در این مناطق عنوان کرد که این سوء مدیریت در هر بخش دارای شکل‌هایی گوناگون است. نکته‌ی دیگر در این زمینه ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های لازم برای ایجاد مناطق آزاد صنعتی و تجاری است. در این زمینه تنها منطقه‌ی متناسب با مأموریتی که برای آن تعریف شده، شاید منطقه‌ی آزاد کیش است. کیش به عنوان قدیمی‌ترین و اولین منطقه‌ی آزاد کشورمان توانست در مأموریت ویژه‌ای که برای آن تعریف شده یعنی رونق گردشگری و درآمدسازی از صنعت توریسم موفق عمل کند به طوری که این منطقه بنا بر آمار شورای عالی مناطق آزاد با جذب حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار گردشگر در سال ۱۳۹۲ توانست از خروج چهار هزار میلیارد تومان سرمایه از کشور جلوگیری کند. از دید برخی کارشناسان، به غیر از کیش دیگر مناطق آزاد زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های اقتصادی در به صرفه‌ترین موقعیت جغرافیایی کشور را ندارند. البته همین منطقه‌ی کیش هم تا سال گذشته با مشکل قطع پی در پی برق و کم آبی مواجه بود که در دولت یازدهم این مشکل‌های زیرساختی منطقه رفع شد. سیاست نادرستی که موجب شده این مناطق از اهداف خود دور بماند، سیاست تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز مناطق از محل درآمدها است (اسفندیاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

این موضوع باعث شد تا مناطق آزاد به منظور تأمین مالی ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز، روی به واردات آورند تا از محل عوارض وارداتی منابع خود را تأمین کنند. از سوی دیگر نبود زیرساخت‌های مناسب در این مناطق باعث شد سرمایه‌گذاران داخلی تنها به ثبت شرکت در این مناطق بسنده کنند و فعالیت اصلی خود را در سرزمین اصلی ادامه دهند تا هم از مزایایی مانند معافیت‌های مالیاتی و عوارض گمرکی بهره‌مند شوند و هم از زیرساخت‌های سرزمین اصلی استفاده کنند. مشکل دیگر، چالش‌های مربوط به دیوان‌سالاری اداری در این مناطق است. هرچند مهم‌ترین مزیت مناطق آزاد کوتاه بودن مسیرهای اداری برای کسب مجوزها است اما از آنجایی که هنوز همه‌ی اختیارهای سازمانی به یک سازمان منطقه‌ی آزاد تفویض نشده و سیاست تک پنجره‌ای شدن در این مناطق و محدوده‌ها به اجرا در نیامده است، بنابراین، همان مرحله‌های اداری که در سرزمین اصلی برای کسب مجوزها باید طی شود پیش روی سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد قرار دارد. مانع دیگر، تسهیلات و بسته‌های تشویقی است. اساس و

بنیان تأسیس مناطق آزاد ارائه‌ی مشوق‌هایی خاص در یک جغرافیای محدود برای جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی است. این در حالی است که در مناطق آزاد کشورمان تسهیلات در برهه‌ای از زمان‌ها تنها محدود به ارائه‌ی زمین‌های رایگان شد؛ تسهیلاتی که به ایجاد رانت انجامید و سرمایه‌گذاران تنها به دنبال دریافت زمین رایگان اقدام به راه‌اندازی صنایع غیر مولد مانند ساخت شهرک‌های مسکونی پرداختند. این در حالی است که در مناطق آزاد دیگر کشورها مهم‌ترین مشوق‌های دولتی ارائه‌ی امتیازهایی برای رقابت بیشتر در بازارهای جهانی است (اسفندیاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

به طور کلی دو هدف اصلی برای این مناطق متصور است که از دو دیدگاه ناشی می‌شود، یکی مربوط است به کشور میزبان و دیگری را شرکت‌ها و مؤسسات خارجی دنبال می‌کنند. از آنجا که استراتژی توسعه مبتنی بر جایگزینی واردات، به دلایل متعدد، در غالب کشورهای که در این استراتژی را جهت ورود به فرآیند توسعه‌یافتگی، اتخاذ کردند، با شکست مواجه نشد، رویکرد رقیب آن یا استراتژی توسعه صادرات مورد توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. بدین ترتیب ایجاد مناطق آزاد یکی از راه‌های نیل به این سیاست تلقی شد. هدف دوم که غالباً به وسیله شرکت‌ها و مؤسسات کشورهای صنعتی دنبال گردید، هدف حداقل کردن هزینه تولید بود از آنجا که مناطق آزاد به لحاظ تسهیلاتی که در آن‌ها در نظر گرفته شده بود، می‌توانستند آن را تأمین کنند، سبب شد تا این‌گونه مناطق مورد توجه این مؤسسات نیز قرار بگیرند. ایجاد مناطق آزاد تجاری دارای تبعات مختلفی است که به‌طور اجمالی به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- انباشت سرمایه

یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی، مسئله سرمایه و فرایند انباشت است. کشورهای در حال توسعه، اغلب مواجه با کمبود سرمایه مورد نیاز هستند. می‌بایست شرایطی فراهم گردد تا موجب تشویق سرمایه‌گذاران خارجی شود تا به این ترتیب هم کشور میزبان و هم سرمایه‌گذار متقابلاً از فواید ایجاد شده بهره‌مند گردند. به نظر می‌رسد راه اصلی جذب سرمایه‌های خارجی که می‌تواند همسو با سایر اهداف و منافع ملی باشد، ایجاد مناطق آزاد تجاری است.

۲- اشتغال

یکی دیگر از مشکلات کشورهای توسعه نیافته، مسئله بیکاری است که به صورت پنهان و آشکار وجود دارد. بدین لحاظ یکی از انگیزه‌های مهمی که کشورهای در حال توسعه در مناطق آزاد، دنبال می‌کنند، ایجاد اشتغال و تخفیف بیکاری است. مناطق آزاد با برخورداری از نیروی کار فراوان و ارزان بالقوه قادر است، سرمایه‌گذاری خارجی را تشویق به فعالیت در این مناطق نموده و باعث اشتغال‌زایی می‌شود. علاوه بر زمینه‌های اشتغال‌زایی مستقیم، توسعه و گسترش صادرات و صنایع در مناطق آزاد زمینه‌های اشتغال غیر مستقیم را فراهم نموده و می‌تواند تا حدودی تنگناهای شغلی را مرتفع نماید.

۳- توسعه صادرات

اساساً نام منطقه آزاد پردازش صادرات، نشان‌دهنده آن است که این‌گونه مناطق به دنبال تأمین این هدف می‌باشند. بدین ترتیب این مناطق می‌توانند به عنوان یکی از ابزارهای مهم توسعه صادرات تلقی شوند. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه که استراتژی توسعه خود را با اتکا بر توسعه صادرات اتخاذ کرده‌اند به این اهرم به عنوان یک بازوی توانا می‌نگرند. این کشورها اغلب متکی به صادرات یک یا دو محصول (اکثراً مواد اولیه) می‌باشند لذا برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی می‌بایست محصولات صادراتی خود را تنوع بخشند. انتقال دهند و این کشورها نیز جهت تخفیف مشکل بیکاری از آن استقبال کردند. افزایش محدودیت‌های تجاری باعث شد تا شرکت‌های چندملیتی جهت حفظ و گسترش بازارهای خود به سرمایه‌گذاری در این مناطق بپردازند، چرا که در این صورت می‌توانستند از سهمیه‌های صادراتی استفاده نشده کشور مورد نظر در جهت صدور محصولات خود به کشورهای پیشرفته صنعتی استفاده کنند.

۴- کسب درآمدهای ارزی، به ویژه در دهه ۱۹۸۰ که کشورهای در حال توسعه، با مشکل بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌های خارجی خود مواجه بوده‌اند.

۵- انتقال تکنولوژی.

۶- برقرار ارتباط روشمند بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی.

۷- جذب سرمایه‌های خارجی چه در منطقه آزاد و چه در درون اقتصاد ملی.

۸- افزایش و تنوع بخشیدن به صادرات و گسترش تجارت خارجی.

۹- ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال در منطقه آزاد و در درون اقتصاد ملی.

۱۰- کمک به ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به درون اقتصاد ملی با قیمت مناسب‌تر.

۱۱- تربیت نیروی انسانی و کسب آموزش‌های فنی و افزایش مهارت نیروی کار.

۱۲- افزایش درآمد ناشی از فعالیت‌های خدماتی حمل‌ونقل انبارداری، بارگیری و تخلیه، بانکداری، بیمه و جهانگردی.

۱۳- افزایش کارایی اقتصاد ملی.

۱۴- مرآوده ملموس‌تر با اقتصاد جهانی از طریق کاهش محدودیت‌ها و دیوان‌سالاری حاکم بر اقتصاد ملی.

۱۵- استفاده از پتانسیل‌های مزیت نسبی.

در اوایل دهه ۱۹۷۰ فقط ۷ کشور در حال توسعه دارای مناطق آزاد تجاری بوده‌اند، حال آن که در اوایل دهه ۱۹۹۰ تعداد کشورهای در حال توسعه دارای مناطق آزاد از ۷۰ کشور تجاوز کرده است و این روند همچنان ادامه دارد. در سال ۱۹۷۰ شمار مناطق آزاد در جهان کمتر از ۵۰ منطقه بود، حال آن‌که در سال ۱۹۹۰ بیش از ۴۵۰ منطقه آزاد در جهان وجود داشت و ۱۵۰ منطقه دیگر در دست ساخت و طراحی بود. با توجه به سابقه تاریخی مناطق آزاد در کشورها عوامل زیر در طراحی موفقیت‌آمیز مناطق آزاد بایستی مد نظر قرار گیرند:



نمودار شماره ۲- فاکتورهای مهم برای بازطراحی مناطق آزاد مرزی

منبع: (ناصری و سینکی، ۱۳۷۸: ۴۹-۵۲)

بایستی توجه داشت که مناطق موفق عمدتاً از آن کشورهای کوچک بوده‌اند. به دلیل کوچک بودن اقتصاد کشورهای خرد تأثیر مناطق آزاد در اقتصاد این کشورها بزرگ‌تر است، بنابراین مناطق آزاد این کشورها، با سهولت بیشتری اقتصاد کشور را به سوی اقتصاد جهانی حرکت داده‌اند. هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان از مناطق آزاد موفق هستند. نقش مناطق آزاد در کشورهای بزرگ از جمله ایران تغییر تفکر اقتصادی و هم‌سویی آن با اقتصاد جهانی است؛ مثلاً چین طی سال‌های اخیر، تلاش بسیاری در جهت ایجاد محیط مناسب سرمایه‌گذاری خارجی کرده است و با وجود مالکیت دولتی با اعمال سیاست آزادسازی و به کارگیری ابزار منطقه آزاد، اقتصاد خود را جهش داده و اصلاحات گسترده‌ای در آن به عمل آورده است. ایران نیز، اگر قصد بازطراحی مناطق آزاد را دارد باید مجموعه عواملی را که از تجربیات کشورها برشمردیم، مورد ملاحظه قرار دهد. نگاهی به اهداف مناطق آزاد نشان می‌دهد چنانچه سیاست مناطق آزاد را به درستی در پیش بگیریم، خواهیم توانست بر مشکلاتی از قبیل کمبود سرمایه، ضعف تکنولوژی، نبود کارآیی و ضعف مدیریت، دست‌کم تا حدی، فایل آییم. اهمیت ویژه مناطق آزاد از جهت درآمدهای ارزی است که در حال حاضر با توجه به افت قیمت نفت، ضرورتی همانند آب برای اقتصاد ما یافته است.

منابع

- احمدی، سید عباس و ابراهیم احمدی (۱۳۹۶)، بررسی توانمندی‌های راهبردی منطقه آزاد چابهار در راستای وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی ایران (از منظر داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۳
- اخوی، امید (۱۳۹۱)، مرزهای ایران، فصلنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۷۳
- اسفندیاری، علی اصغر و سمیره مقدس حسین زاده و مجید دلاوری (۱۳۸۷)، ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (دانشگاه علامه طباطبایی)، شماره ۲۸

امینی، محمد تقی و محمد رضا عباسی و علی رضا پیرعلی (۱۳۹۰)، تدوین راهبرد توسعه صنعت گردشگری منطقه آزاد قشم با استفاده از مدل سوات، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۷۶

بالام، دیوید و مایکل وست (۱۳۸۶)، ثروت و قدرت: مرکانتالیسم و ناسیونالیسم اقتصادی، فصلنامه راهبرد توسعه، ترجمه سید امیر نیاکویی، شماره ۱۰
رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۳)، نقدی بر دیدگاه برنامه دوم توسعه؛ سیاست خصوصی سازی، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۳ و ۸۴
عسکری، علی و تبنا جعفری (۱۳۹۵)، ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار)، فصلنامه علوم اقتصادی، شماره ۳۷

علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸)، داده هایی از عدم تعادل در جامعه ایران؛ استانهای مرزی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶
فتح اللهی راد، سعید (۱۳۷۷)، مناطق آزاد ایران، تجربه ای ناکام و ضرورت بازنگری اساسی، فصلنامه فرهنگ و تعاون، شماره ۵
فیضی، کامران (۱۳۷۹)، تجزیه و تحلیل عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت، بهبود و تحول، شماره ۲۵ و ۲۶
قابیضی، روح الله (۱۳۸۳)، منابع نفت و گاز دریای خزر و چشم انداز سرمایه گذاری آینده، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۷
قربانی، ابراهیم (۱۳۹۴)، تبیین راهکارهای موثر در جلوگیری از پدیده قاچاق مواد مخدر و کالا در منطقه آزاد تجاری - صنعتی ماکو، فصلنامه علوم و فنون مرزی، شماره ۱۴

قلی زاده، علی ولی و رضا الله وردی زاده (۱۳۸۹)، نگرشی ژئوپلیتیکی ژئواکونومیک بر منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۸
کاظمی، حجت (۱۳۹۳)، جهانی شدن و دولت های توسعه گرا؛ سویه های تغییر و تداوم نقش دولت در فرایند توسعه، فصلنامه سیاست، شماره ۲۹
کامران، حسن (۱۳۸۱)، علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵ و ۶۶
لطیفی، غلامرضا و مهرناز امین آقایی (۱۳۸۵)، جایگاه مناطق آزاد در برنامه ریزی منطقه ای ایران، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۱ و ۲۳۲

لطیفی، غلامرضا و مهرناز امین آقایی (۱۳۸۵)، جایگاه مناطق آزاد در برنامه ریزی منطقه ای ایران، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۳۶

مدنی، علی اکبر (۱۳۴۳)، آزادی یا محدودیت، فصلنامه نامه اتاق بازرگانی، شماره ۱۴۰
ملکان، سرور (۱۳۷۹)، تحلیل وضعیت مناطق آزاد ایران، فصلنامه روند شماره ۲۸ و ۲۹
ملکان، سرور (۱۳۷۹)، تحلیل وضعیت مناطق آزاد ایران، فصلنامه روند، شماره ۲۸ و ۲۹
ممی پور، سیاب و زهرا بشارتی و داود بهبودی (۱۳۹۳)، بررسی و اولویت بندی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد انزلی، فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه ای، شماره ۷

میردار، شادمهر و امیر بخشنده (۱۳۸۸)، نیمرخ غرق شدن گردشگران در سواحل دریای خزر در طی سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۸۰، فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۳

ناصری، سید مهدی و بهاره سینکی (۱۳۷۸)، بایسته های مناطق آزاد، فصلنامه تازه های اقتصاد، شماره ۷۶ (از صفحه ۴۹ تا ۵۲).

ولی قلی زاده، علی (۱۳۹۴)، تبیین اهمیت ژئواکونومیک قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳۷
Tribe, Keith. 2002, Historical Schools of Economics: German and English, Keele Economics Research Papers, website, via www.keele.ac.uk/depts/ec/kerp.

Paul, Darel E. 2000, Theoretical Evolution of International Political Economy, web site at: <http://www.unctad.org/en/pub/pubframe.htm>.

Pires, Armando J. Garcia & Pontes, José P. 2015, Economic development according to Friedrich List, Centre for Applied Research at NHH (SNF), Norwegian School of Economics (NHH), Helleveien 30, 5045.

Watson, M. 2012, Friedrich List's Adam Smith Historiography and the Contested Origins of Development Theory, University of Warwick, Accepted for publication and forthcoming, April 2012, Third World Quarterly.

Daastol, Arno M. 2011, Friedrich List's Heart, Wit and Will: Mental Capital as the Productive Force of Progress, Cand. Oecon. & Cand. Mag. in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor rerum politicarum (Dr. rer. pol.) in the subject of Economics to Universität Erfurt, Staatswissenschaftliche Fakultät Erfurt, Germany www.uni-erfurt.de November 2011.

<http://makufz.ir>

shayantejarat.com

iranreview.org

<https://www.sbportal.ir/>

<http://www.arasfz.ir/>

Springer Link

<http://arvandfreezone.com/fa/>

<https://iranianshahrsaz.ir>

<http://www.ettelaat.com>